



### پیش از این که دیر شود

دکتر مجید جعفری نژاد بجستانی

«در یک برهه ای از سال های دهه ۶۰ و تقریباً اوایل دهه ۷۰ تکیه و تمرکز دولت و دستگاه های دولتی روی بهداشت بود، روی پیشگیری بود که آثار بسیار خوبی هم داشت. ما باید این را دنبال کنیم، این مهم است. پیشگیری بهتر از درمان است. درمان لازم است، نه این که به درمان بی اعتنایی کنیم، اما به پیشگیری بی اعتنایی نکنیم. لازمه اش این است که این شبکه بهداشت که قبلاً به وجود آمده بود و برکاتی هم داشته و کارهای زیادی کرده، بازسازی کنیم... هست، ضعیف است... اما مورد توجه نیست، باید تقویت بشود، بازسازی بشود... اگر شبکه بهداشت فعال بشود با هزینه کمتر می تواند کارهای بزرگی را صورت بدهد. به شبکه های بهداشتی درمانی اهمیت بدهید، این شبکه خیلی مهم است».

(بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار روز پرستار سال ۱۴۰۰)

سخنان رهبر معظم انقلاب و تأکید ایشان بر دنبال کردن سیاست ها و برنامه های حوزه سلامت در دهه ۶۰ و ۷۰ ایجاب می کند که نگاهی دوباره به عملکرد نظام سلامت در این سال ها داشته باشیم، نظامی که در سال های ابتدایی تشکیل خود قدم های بسیار اثر بخشی در راستای سلامت آحاد مردم این مرز و بوم برداشته است.

در سال هایی که درصد بالایی از جمعیت ایران در مناطق روستایی ساکن بودند، بیماری های واگیر نیز در کشور غوغا می کرد. طیف جمعیتی در آن زمان با امروز بسیار متفاوت بود؛ به گونه ای که بیشتر جمعیت را جوانان تشکیل می دادند.

در سال های اخیر، پایه پای تغییرات ایجاد شده در جمعیت کشور، طیف بیماری ها نیز دچار تغییرات زیادی شد. بیماری های واگیر که غالب بیماری های منطقه خاورمیانه را تشکیل می دادند به مرور جای خود را به بیماری های غیرواگیر دادند تا بیماری های قلبی رتبه اول را از حیث ابتلای شهروندان به خود اختصاص



دهد. ساده‌تر این‌که با جابه‌جایی جمعیت شهرنشین و روستانشین و به دنبال آن تغییر سبک زندگی و رواج شهرنشینی، بیماری‌های قلبی، مشکلات روانی و رفتاری و ... جای بیماری‌های عفونی را گرفتند. از سوی دیگر شهرنشینی و تغییرات و پیشرفت سریع فناوری‌های گوناگون، روابط اجتماعی حاکم بر جامعه را نیز دستخوش تغییر کرد. پیش از این، همسایه‌ها در یک محله یکدیگر را می‌شناختند و مراودات زیادی داشتند. امروزه اما سبک و سیاق زندگی تغییر کرده و افزایش آپارتمان‌نشینی و فاصله اجتماعی افراد را از هم دور و مفهومی به نام «محله» را کمرنگ کرده است، انسان‌ها از حیث مکانی به هم نزدیک‌تر شده‌اند، اما در روابط اجتماعی کمتر نشانه‌ای از این نزدیکی دیده می‌شود. در گذشته ارتباطات نزدیک اجتماعی در یک محله سازوکار خاص خود را داشت و ارتباطات رو در رو و نزدیک می‌توانست حلال بسیاری از مشکلات باشد.

این نکته را نیز فراموش نکنیم که طی این سال‌ها مطالبات اجتماعی مردم و دغدغه‌هایشان تغییر کرده است. نیازها نسبت به سال‌های اولیه استقرار نظام شبکه تغییر یافته و مردم سطحی از زندگی را طلب می‌کنند که در آن سال‌ها طلب نمی‌کردند. در شهرهای بزرگ، آلودگی هوا، خشکسالی، کم‌آبی، افزایش آلودگی‌های زیست محیطی، فاضلاب و ... دغدغه امروز مردم شده است.

ماجرای فقط ابتلا به اضطراب و افسردگی و بسیاری بیماری‌های غیر واگیری که امروزه نظام سلامت با آن‌ها دست و پنجه نرم می‌کند، نیست. دقیق‌تر که نگاه کنیم متوجه می‌شویم رفتارهای باروری مردم نیز دستخوش تغییرات زیادی شده است. جالب است که زمانی نه چندان دور در کشور، شاخص نرخ باروری کلی حدود ۶ بوده است و به این رقم به چشم یک تهدید و عامل انفجار جمعیت نگریسته می‌شده است. حتی برای مقابله با آن سیاست‌ها و برنامه‌های تحدید و کنترل موالید اجرا شده است. در حالی‌که امروز نرخ رشد باروری به کمتر از ۲/۱ رسیده و حرف از تهدیدی به نام بحران سالمندی در میان است. پرسش‌هایی که اکنون به ذهن می‌رسد این است که با وجود تغییراتی که از آن‌ها سخن گفتیم:

- آیا نظام شبکه هم به مرور متناسب با این نیازها و تغییرات پاسخگو شده است؟
- آیا از فرصت ایجاد شده در شبکه‌های مجازی برای آرایه مراقبت‌هایی که مردم بتوانند از آن بهره ببرند فکری شده است؟

- آیا به تمایل شدید مردم به استفاده از خدمات بخش خصوصی توجه کرده‌ایم؟
- آیا باید همچنان اصرار بر افزایش پوشش خدمات بخش دولتی داشته باشیم؟ یا این‌که بایستی به فکر برنامه‌هایی برای بهره‌مندی از خدمات بخش خصوصی، خیریه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد یا به نوعی دادن یارانه سلامت به مردمی که توان استفاده از این خدمات را ندارند باشیم؟

- آیا نظام سلامت و نحوه آرایه خدمات ما چقدر به نیازهای پیشگیرانه مردم به عنوان پیشگیری از بیماری‌ها پاسخگو است؟ در برنامه‌ها و سیاست‌های سلامت محور تا چه اندازه به نقش سازمان‌های دیگر توجه شده؟ و ما چقدر مطالبه‌گری حقوق مردم در بخش سلامت را دنبال می‌کنیم؟ این پرسش‌ها ما را با این حقیقت روبه‌رو می‌کند که با توجه به انبوه تغییرات، زمان بازسازی و بازطراحی نظام شبکه فرارسیده است. بیش از اینکه دیر شود بایستی هرچه سریع‌تر در این زمینه اقدام کرد.